

متن پرسش

السلام علیک یا زینب کبری «سلام الله علیها»

"من و جنون نام تو هر دم

کوچه پس کوچه‌های حیات

شده مُزَیِّن به یاد و حال تو

حیات تو شد، ملاک شب و روز ما"

آری تویی آن‌که در طول عمرش شامِ بلاها را درک کرد و در شعله‌ی شمع عشق حق، شعله‌ای شد و نوای «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» ی شما جان‌ها را شنواتر کرد و تو خرابه عالم را با معرفی حسین «علیه السلام» آباد کردی...

نامت جاری شد در عالم، زینب «سلام الله علیها»، آری زینب تو علمدار راه مادری!

مادرت زهرای اطهر «سلام الله علیها» اُمّ اَبیها شد و تاریخ خواب‌زده و ترک‌خورده را با گریه‌هایش خیس کرد و آماده‌ی رویشی دوباره، قطرات اشک مادرت، در بستر تاریخ انسانیت، راه یافت و بوستانی شد برای احیای انسان...

اما اَب کیست؟ که مادرت اُمّش شد، واقعاً زینب جان! آیا اُمّ اَبیها بودن طریقی است و سیری دارد؟ اَب، بُن و ریشه‌ی حیات تاریخ است، آری او رسول الله است، او که وجودش سرآغاز و بهانه خلقت است و گویا اَب همان چشمه جوشان اسلام است که سد غفلت‌ها و سقیفه داشت او را محدود به منبع آبی راکد می‌کرد که دیگر جوشش و حیات‌بخشی ندارد. اما دختری چون مادر تو، علم مادری برای آن حقیقت زنده برداشت و نشان داد که

آی آدمها! چشمه جوشان حیات انسان عمیق است و شاه‌رگ حیاتش به نظرها و مددهای قدسی علی «علیه السلام» است، او خیر شکنی ست که خود، حق و حق، خود علی است...

آری ربوبیت حق، رهبرانی چون جَدَّت و پدرت را در تاریخ به انسان هدیه کرد، ولی هر پدری، مادری خواهد داشت که چون مادران بسوزد از غم و بسوزاند ریشه تزویر و ریا و... را و بر باغبان، باغ انسانیت مادری کند، البته به خون دل و باران اشک و محبت و ایمان و ایثار...

حضرت زینب «سلام الله علیها» نور دو عین حضرت زهراست، او بعد مادرش هر آن اُمّ اَبیها شده است،

در ایام ولایت حضرت علی مرتضی «علیه السلام» بر تاریخ، حضرت زینب «سلام الله علیها» برای پدرش، مادر شد و چه احوال که بر او نگذشت... تا رسید بر سحر فُزْتُ بِرَبِّ الْكَعْبَةِ

بعد از آن، شیر زن قصه‌ی انسانیت بر سبط اکبر، حسن مجتبی «علیه السلام»، مادر شد... خواهری که مادر شد و چه ها دید و شنید و تا آخر مادرانه پای ایشان ایستاد... تا لحظه تشت و جگر و... اما، امان از ایامی که زینب کبری «سلام الله علیها»، او که دل داده و بی تاب حسین «علیه السلام» است و در سایه الطاف امام حسین «علیه السلام» آرام است!

آری حضرت زینب «سلام الله علیها» عهد کرده که بر سر میخانه حسین «علیه السلام» بایستد، وقتی که تزویر پرده برداشته و یزید، پدر تاریخ یعنی حضرت اباعبدالله الحسین «علیه السلام» را به مسلخ می‌کشد، زینب «سلام الله علیها» باز مثل همیشه مادرانه می‌ایستد و آرمان پدر را احیا می‌کند، با فصاحت و بلاغت، طوفان به پا کرد و کاخ استکبار یزیدیان را ویران کرد.

آری زینب کبری «سلام الله علیها»، شیر میدان نبرد حق و باطل است و مصداق «أَشَدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» شد، اما با چه خردی؟ با کمی دقت می‌توان «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ» را در صلابت حیدری و مقاومت فاطمی اش دید...

اما ای من، ای تو، ای او...

اندکی!! اندکی صبر!

آب تاریخ تو کیست؟ آیا به تأسی از شیر زن کربلا و مادرش، حاضری مادر بشوی بر پدر تاریخ؟ آری! من و تو، باید طلب و عزم و عهد مادری را کنیم و درد مادری را چشیم و مادر شویم بر پدر تاریخ مان، بر انقلاب حضرت روح الله. آری ای یار! مادری راه است، راهی از جنس بودن پر از شور و شوق و با عقل و خردی که ان شاء الله چون مادران تاریخ در تمام ابعاد وجودی مان از جمله کلام و زبان مان خود را نشان دهد و جان‌ها را بیدار کند...

هرچه چشم گرداندم، پدری جز خمینی کبیر و خامنه ای عزیز نیافتم. آری و مادرانی دیدم که در عصر امام خمینی تا همین روز هر آن، با دل و جان آن چنان لب به سخن گشوده و آن چنان جوانان خویش را تقدیم کردند و آن چنان مست به دنبال فنا، خویش سراسیمه دویده که اینک هر کجا بویی از انسان هست غوغای مادری برای پدر تاریخ برپاست، کار به جایی رسیده که شیران بیشه‌ی غزه، شیرزنان و شیربچه‌ها و شیرمردانش... به تأسی از زینب کبری «سلام الله علیها» و لشکر کودکان و زنان در خروش تاریخ طوفان الاقصی را به پا کردند.

آیا مادری، پدر حقیقی به عهده ی حضرت زهرا «سلام الله علیها» و حضرت زینب «سلام الله علیها» بود و تمام شد و باید در مقام خاص باشیم یا قصه‌ی انتظار، همان قصه‌ی اُمِّ أَبِیْهَای تاریخ و تعالی بشر است و ادامه دارد تا انسان به حقیقت کامل شود؟ این نگاه و تعمیم دادن چقدر جا دارد؟ با تشکر

باسمه تعالی: سلام علیکم: وقتی به خوبی فهمیدیم هرچا مردی می‌درخشد، درخشش او با نظر به تعبیر رسای شما کوهی لطیف مانند شیر زن کربلا در صحنه بوده؛ حال مائیم و جهانی که باید بانوان مان با همان حضور و با بصیرت تمام، جایگاه خود را بیابند بدون آن که نقش مردان را به عهده بگیرند که در آن صورت مانند تمدن غربی گرفتار جامعه‌ای خواهیم شد «بی‌مادر»، با همه معنایی که بی‌مادری دارد. کجاست «مادری» در جهانی که نه معنای زندگی را می‌فهمند و نه معنای انسان و انسانیت را و نه معنای صبر و امیدواری را، به‌خصوص در خرابه‌های غزه.

حضرت زینب کبری «سلام‌الله‌علیها» همان‌طور که فرمودید در هر صحنه‌ای، از صحنه حضور تاریخی حضرت علی «علیه‌السلام» بگیر تا صحنه تاریخی امام حسن «علیه‌السلام» و امام حسین «علیه‌السلام»؛ در همه صحنه‌ها متوجه حضور تاریخی خود می‌شوند و این شد عامل آن که توانستند آنچنان نقش‌آفرینی کنند، و از آن مهم‌تر به آن بصیرت خاص برسند.

<https://eitaa.com/matalebevijeh/۱۵۸۵۷>

چه اندازه حضرت روح الله «رضوان‌الله‌تعالی‌علیه» دقیق متوجه امر فوق شدند و لذا حضوری را برای زن ترسیم کردند که به گفته خودشان «ما مفتخریم که بانوان ما و زنان پیر و جوان و خرد و کلان، در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر، و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند».

حال این نوع زن بودن و این نوع مادری در این دیگر قدم‌های این تاریخ، باز «زن» و باز «مادر» و حضوری بعد از حضور. موفق باشید